



کاروان المپیک ایران مونیخ

صابون رختشویی و پیژامه و کتلت و کمی طلا

سندکاوی و خاطره‌بازی از ۱۲۰ سال حضور ایران در المپیک‌های دلبرانه از ۱۹۰۰ تا ۲۰۲۱

از اینکه «دوراندویی پتری» به کمک دیگران نفر اول شده است، او را از مسابقه حذف کردند و مدال‌اش را به یک امریکایی دادند. تماشاگران لندن و ورزشکاران ایتالیایی چنان به داوران اعتراض کردند که کار به زدوخورد کشید و روز بعد ملکه‌ی انگلیس برای دلجویی از او یک جام طلا به او هدیه داد. ماراتنیست درهم‌شکسته به وطن‌اش ایتالیا بازگشت و کمی بعد روزنامه‌ها جنجال کردند که او به خاطر استفاده از دوپینگ وسط راه از حال رفته است. چهار سال بعد در المپیک ۱۹۱۲ استکهلم، یک سرخپوست امریکایی به نام جیم تورپ، به عنوان سلطان بازی‌ها انتخاب شد و پادشاه سوئد در هنگام اهدای مدال، عنوان ابرمردترین ورزشکار جهان را به او بخشید. او در تمام مسابقات دهگانه و پنجگانه قهرمان بلامنازع این رشته‌ها شد. کمی بعد کمیته‌ی بین‌المللی المپیک حال‌اش را و مدال‌اش را گرفت؛ به این خاطر که فهمید او عضو یک تیم بسکتبال حرف‌های در امریکاست و در بسیاری از مسابقات تیم‌اش پول گرفته است و این خلاف قوانین آماتوریزم است. جیم از این همه حرمان چنان

آن خود کرده بود. المپیک ۱۹۰۸ لندن تحت تأثیر یک کلوچه‌پز ایتالیایی قرار گرفت که وقتی در دو ماراتن، پیشاپیش همه‌ی دوندگان وارد استادیوم لندن شد، به جای پیچیدن به راست، به چپ پیچید و وسط راه از حال رفت. سپس به کمک مأموران بهداری و سرپرستان ایتالیایی سرحال شد و به عنوان نفر اول از خط پایان گذشت، اما هفت داور بین‌المللی با عذرخواهی

«ابراهیم افشار»

و چکش‌اندازی، پرتاب‌هایشان به داخل جنگل افتاد- اولین سلطان المپیسم را معرفی کرد؛ کرانسلاین، ورزشکار امریکایی-اتریشی‌الاصل تمام مدال‌های طلای دو ۶۰ متر، دوهای ۱۱۰ متر و ۲۰۰ متر بامانع و پرش طول را به خود اختصاص داد. مرد چهار طلایی ستاره‌ی بازی‌ها، بعد از بازگشت به کشورش امریکا هیچ‌رقمه تحویل گرفته نشد و به‌زودی کاملاً فراموش شد؛ چون او سیگاری قهار بود و پایپروس را با پایپروس آتش می‌زد. چهار سال بعد یک امریکایی افلیج، ستاره‌ی بازی‌های المپیک ۱۹۰۴ استکهلم شد. «رای اوری» که هجده سال تمام از بیماری فلج اطفال رنج برده و تازه به راه رفتن افتاده بود، در سه دوره‌ی المپیک، از ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۸، ده مدال طلای پرش‌های ارتفاع و طول و سه‌گام را از آن خود کرد و لقب آدمک پلاستیکی از رسانه‌ها گرفت. او تا دوران چلچلی حریف نداشت، حتی مدال طلای پرش به عقب نیزه را هم از

المپیک عصر جدید که از سال ۱۸۹۶ یعنی چهار سال مانده به آغاز قرن بیستم در آتن -موطن اصلی المپیسم- تجدیدحیات یافت، از همان نخست آلوده به سیاست بود. وقتی حکومت متفرعن آلمان (پروس) عزیمت ورزشکاران خود به یونان را به‌خاطر آنکه المپیک بی‌قابلیت را دون شخصیت آلمانی ناسیونالیست می‌دانست منع کرد، ورزشکاران این کشور خودسرانه و برخلاف آخم‌وئخم روسای ورزش ژیمناستیک و حرکات نرمش، تیمی سرهمبندی کردند و به المپیک رفتند. عزیمت هشت ورزشکار، طی پنج شبانه‌روز از برلن تا آتن آن هم با پول شخصی، کاری جانفرسا بود. آنها با پنج مدال دریافتی که مرکب از چهار نقره و یک برنز بود به کشور خود بازگشتند، اما باز تحویل گرفته نشدند. چهار سال بعد المپیک فقیرانه‌ی پاریس که حتی بیستی برای دویدن نداشت -به‌طوری‌که پرتابگران دیسک‌پرانی

